

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله تعالى على سيدنا و نبينا ابوالقاسم محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين لا سيما بقية الله فى الارضين ارواحنا فداه و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

بحث در مناقشات استدلال به آیه شریفه به تقاریب ثلاثه برای دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر بود. ابتدائاً عرض شد مناقشات عامه را که على كل التقادير مناقشه می‌شود عرض می‌کنیم تا بعد مناقشات هر تقریر را به خصوصه.

مناقشه اول عام این بود که به حکم روایات کثیره من الخاصة و العامة مقصود از امت و ضمائیر در این آیه شریفه محمد و آل محمد صلوات الله اجمعین هستند. بنابراین این تکلیفی است برای آن بزرگواران و ربطی به دیگران ندارد.

از این اشکال به وجوهی تخلص شد؛

وجه اول عرض شد، وجه دوم این بود که این روایات ... راجع به این روایات صحبت فرمودند که این روایات جری است و تطبیق است که این را هم اشکال کردیم.

وجه سوم این است که ما یک قرینه‌ای داریم در این آیه مبارکه که به حکم آن قرینه می‌فهمیم مقصود از امت خصوص ائمه نمی‌شود باشد. و این قرینه هم باعث می‌شود که قهراً آن روایات را هم خلاف ظاهرش معنا نکنیم. آن قرینه این جمله مبارکه است که «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» چون ظاهر کلام این است که این وصف‌ها به عنوان تعلیل دارد ذکر می‌شود برای این که شما خیر امت هستید. «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف...» یعنی کأن می‌فرماید شما بهترین امت هستید زیرا به دلیل این که «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» و علت همیشه معمم و مخصص است. علت این که شما خیر امت هستید، علت این است که امر به معروف می‌کنید، نهی از منکر می‌کنید، ایمان به خدای متعال دارید. این علت این جور نیست که فقط در ائمه هدی علیهم السلام باشد. اراده ائمه علیهم السلام بالخصوص از امت با این تعلیل سازگار نیست. این تعلیل اقتضایش این است که مراد از امت تمام افرادی باشند که این صفات را دارند. پس همه آن‌ها خیر هستند. و قهراً نمی‌شود گفت که این‌ها کسانی هستند که در صدر اسلام، اول اسلام بودند. این علت می‌گوید اختصاص به آن‌ها نمی‌شود داشته باشد. اختصاص به مسلمانان حین نزول آیه هم بالخصوص نمی‌تواند داشته باشد. چرا؟ برای این که این علت باز معمم است. اختصاص به ائمه هدی علیهم السلام هم نمی‌تواند داشته باشد چون این علت معمم است. پس کی مقصود است؟ و از آن طرف بله می‌تواند تمام امت اسلامی من البدو الى الختم مقصود باشد. این به حسب ظاهر می‌شود اما یک قرینه خارجی بر خلاف این داریم، بلکه قرینه داخلی هم داریم. قرینه خارجی‌اش این است که خب می‌دانیم این جور نیست این همه طواغیت، منافقین، این همه... یا آن چه که در آن روایت مبارکه بود؛ قاتلین ائمه علیهم السلام و... خب این

خیر امت هستند؟ پس این را هم نمی‌توانیم بگوییم چون آن قرینه خارجی بود.

سؤال: ...؟ صفت داخلی هم قرینه می‌شود.

جواب: داریم می‌گوییم. گفتیم دیگه.

علاوه بر این که همان طور که باز در آن روایت بود مگر همه این صفت را دارند که تأمر و تنهون و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله. حالا تؤمنون بالله را بگوییم آره چون مسلمان هستند. اما تأمر و بالمعروف و تنهون عن المنکر را که ندارند.

خب اگر همه مقصود بود با تعلیل سازگار بود، از رهگذر تعلیل ولی این شق هم یک قرینه دیگری داریم برای این که نمی‌شود مراد باشد. فیقی چه احتمالی؟ این که ...

سؤال: ...؟

جواب: کسانی که توی آن آیه 104... این آیه 110 است، آیه 104 «و لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» خب این می‌خواهد بگوید الممتقلین به آن که آن جا گفتیم. پس این امت کنتم ایها الممتثلین لما قلنا در آن آیه 104 خیر امته اخرجت للناس. این مقصود است.

این قرینه جلیه اعتمد علیه صاحب تفسیر تسنیم دام ظلّه بر این که خصوص ائمه نمی‌شود باشد. فرمایش علامه طباطبایی که فرموده مسلمان‌های صدر اسلام، نمی‌شود باشد. مسلمان‌های حین نزول آیه، نمی‌شود باشد، کل مسلمان‌ها هم نمی‌شود باشد. همین قرینه همان طور که ما را رهنمون می‌شود به تفسیر آیه و این که بفهمیم مراد از امت و ضمائر چیه، همین باعث می‌شود که ما آن روایات را هم بر جری و امثال این‌ها حمل نکنیم. این مطلبی است که در تسنیم بود.

اما آن بیان ...؟ که آن روایات بود، گفتیم آن روایات اباء دارد از این جهت و نمی‌توانیم این جور تفسیر کنیم چون فرمود این جور نازل شده، قسم یاد فرموده حضرت که نازل شده.

سؤال: آیه این طور نازل شده خیلی زیاد است.

جواب: خب الکلام الکلام. کثرتش که باعث نمی‌شود دست از ظهورش برداریم.

سؤال: بعضی بزرگان هم می‌گویند که نزول‌هایی که توی روایات اشاره شده نزول بیانی است.

جواب: ما اولاً جاهای دیگر را کار ندارم. ببینید این جا هم روایات را خواندیم شما مراجعه بفرمایید قطعاً خلاف ظاهر است اگر نگوییم خلاف نص این روایات است. و الله حضرت اگر روایت سندش تمام باشد. حضرت قسم خوردند که این جور است. حضرت فرمود هم این‌ها هستند. این‌ها را چه جور می‌توانیم ما حمل بر آن نکنیم. خیلی خلاف ظاهر علی حداقل هست که نگوییم خلاف نص و صریح این‌ها هست. اما این بیان که ما می‌توانیم بگوییم این علت هست و از این علت این مطلبی که فرموده شده است استنتاج کنیم.

در این جا سؤالاتی یا مناقشاتی وجود دارد باید این‌ها را بررسی کنیم ببینیم به کجا می‌رسد.

سؤال: ...؟

جواب: آن‌ها که سندهایش یا اشکال دارد یا اگر مشکل شد... جمع هم ندارد حالا تا ببینیم باید چه کار کنیم. آن‌ها اگر سند داشت ما از نظر سند اشکال داشتیم.

سؤال: حاج آقا منافاتی ندارد که بعضی از این روایاتی که در مورد ائمه معصومین است خداوند اصلاً نزول واقعی این آیه را مثل آن جریان آل یاسین یک روایتی هست که منظور آل یاسین است اما توی قرآن الیاسین است.

جواب: آن‌ها هم مشکل است.

سؤال: نه توجیهش این است که...؟

جواب: آن جاها عیب ندارد. آن‌ها بطن باشد اشکال ندارد. بطن اشکال ندارد امیرالمؤمنین حسب نقل فرموده من تمام شریعت را از باء بسم الله در نقطه تحت بسم الله در می‌آورم.

سؤال: حقیقت موضوع این بوده ائمه...؟

جواب: این جور نازل شده. این آیه می‌گوید این جور نازل شده. این امت نیست توی آیه، ائمه است.

سؤال: ...؟ تحریف نشود قرآن و الا چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند. ...؟

جواب: نه آن چیز دیگری است آن ربطی به این ندارد.

سؤال: ...؟

جواب: آقای عزیز آن جا اگر می‌گفت علی علیه السلام، بله. شاید نفرموده برای این که باب امامت باب امتحان ناس است، تصریح نشده تا از ادله بفهمیم. تا از قرائن و شواهد بفهمیم. اما اگر بگوییم کنتم خیر امة باز تصریح که نشده حالا هر کسی ممکن است ادعا کند که ما هستیم، ما همان ائمه هستیم. این باز معین نمی‌کند اگر ائمه هم باشد. ائمه الان پیش این ما این جور هست که ما منطبق می‌کنیم به ائمه. خب خلفای جور می‌گویند ما هستیم، ما ائمه هستیم. اما نام شریف امیرالمؤمنین سلام الله علیه که ائمه را نام نبرده شاید یکی از فلسفه‌هایش این باشد که این باب امتحان ناس است که در هاله‌ای از استدلال و برهان عقاید را فرار داده خدای متعال. تا ایمان به غیب درست بشود و آن ارزش دارد. در این نشأه باید ایمان به غیب باشد. فلذا است که در آن شریفه... من بچه بودم از مرحوم والد قدس سره این را شنیدم که توضیح داده بود. فرمود که قرآن فرمود جواب این که مردم می‌گفتند خدای ملائکه چرا ملائکه نمی‌فرستد. شما که بشر هستید مثل خود ما، خدا اگر بخواهد ما را هدایت کند ملائکه بفرستد. خدا چی جواب داد؟ فرمود اگر ملائکه هم بخواهیم بفرستیم به صورت آدم می‌فرستیم تا شما نفهمید این ملائکه است. واقع‌شان ملائکه است ولی ظاهرشان مثل آدم است شما نفهمید. چرا؟ چون الجاء لازم می‌آید، اضطرار لازم می‌آید. غیب به شهود تبدیل می‌شود. دیگه ایمان به غیب نیست داری می‌بینی، شهود است. و حال آن که ارزش دارد ما الان می‌بینیم... بارک الله قبول داری روز است. بارک الله ندارد. خب داریم می‌بینیم روز است. مگر می‌توانی انکار

کنی. مضطر هستیم به این. آن وقتی هست که هوا تاریک باشد با استدلال بگویی حالا روز است. ابر و ظلمت گرفته با استدلال بگویی روز است، آن ارزش دارد. و الا هوا روشن است بگویی روز است چه ارزشی دارد. فلذا است که عند الموت که پرده‌ها می‌رود عقب آدم می‌بیند آن جا دیگه ...؟ و قد خصص الحق، آن موقع دیگه می‌خواهی ایمان بیاوری، مگر می‌شود بیاوری. فلذا ایمان فرعون قبول نشد.

علی ای حال خدمت شما عرض شود که مناقشاتی در این وجه هست که این تعلیل است پس بنابراین یترتب علیه این مطالبی که گفته شد.

سؤال:

جواب: بنابراین وقتی می‌گوید یعید صلاته همه این‌ها همین جور است. آن زمان ... اصلاً احتمالش را نمی‌دهد که معنای دیگری داشته باشد. اصلاً احتمال دیگری داده نمی‌شود. ببینید گیر کردیم یک جایی بعضی وجوهی می‌سازیم برای آن.

سؤال: ...؟

جواب: چه قرینه‌ای وجود دارد ...؟ اگر حضرت بخواهد بگوید این جور نه، چه جور بگوید. شما یک واژه‌ای، یک لغتی، یک جمله‌ای اوضح از این سراغ داری که بخواهد این مفاد را بفرماید که بله این نبوده این بوده. خب چه جور بفرماید حضرت.

سؤال: حالا وقتی گیر کردیم...؟ بالاخره باید ...؟

جواب: نه، نفهمیدم می‌گوییم یرد علمها الی اهله.

سؤال: ...؟

جواب: تمام، می‌گذاریم کنار فعلاً تا حضرت بیاید واضح بفرماید. همین طور که یک چیز بی‌خودی نمی‌گوییم. حضرت فلذا روایاتی فرمود؛ فرمود اگر روایتی به شما رسید نمی‌فهمید و این‌ها رد نکنید بگویید این باطل است، این فلان. نه، بگذارید کنار تا این که به ما برسد از ما سؤال کنید تا ما توضیح بدهیم. از ما هست یا از ما نیست، اگر از ما هست معنایش چه، چرا ما این جوری گفتیم. بله عصر عصر غیبت است و ما اگر یک جایی به بن‌بست برخوردیم از نظر این امور در احکام فقهیه به بن‌بست بر نمی‌خوریم چون اصول عملیه و فلان هست این جا ولی توی یک سری... این معارف به بن‌بست بر نمی‌خوریم یک جاهایی. خب آن جا که دیگه با اصل عملی نمی‌شود کاری کرد. خب این را می‌گذاری کنار تا بیایند توضیح بدهند.

سؤال: بن بست نبود حاج آقا خود روایت.....

جواب: نه، حالا آن بیان بعد هست. ببینید الان از این راه است که به این نصوص نه به استدلالی که در بعضی از این نصوص بود. به خود این نصوص دارد می‌گوید این است، فعلاً وجه اشکال این است. اما آن بیان دیگر آن را ان شاء الله بعد خواهیم گفت. سه بیان در این جا وجود دارد برای این که ائمه مقصود هستند. سه بیان هست. بیان اول این است، یک بیان دوم دیگه، یک بیان سوم.

حالا بیان اول که آن نصوص دارد می‌گوید مراد ائمه است. این محقق بزرگوار می‌خواهد

اقامه کند دلیل بر این که نمی‌شود معنای آیه این باشد پس این روایات هم نمی‌شود تا ...؟ مقصود باشد به این بیانی که عرض شد.

حالا این جا سؤالاتی است یا مناقشاتی است که باید بررسی بشود. مناقشه اول این است که همان طور که در اصول فرمودند الوصف مشعُرٌ بالعلیة لا دالٌّ و الاشعار لاحیة فیہ. اشعار دارد اما دلالت که ندارد، ظهور که ندارد. وقتی ظهور نداشت، دلالت نداشت لایرکن الیه در این که رفع ید بشود از روایاتی که دارد این جور معنا می‌کند.

سؤال: چون معارض دارد؟

جواب: نه به خودی خودش همین جور است.

چون الوصف مشعُرٌ بالعلیة. به خاطر همین هم هست که آقایان معمولاً مفهوم وصف را انکار کردند و این اوصاف که در این جا ذکر شده معشر به علیت است اگر بپذیریم. این مطلب اول.

مطلب ثانی این است که یشکل که این تعلیل باشد اصلاً خود «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» بخواهیم بگوییم این تعلیل برای ما سبق است، برای خیر امت بودن است. این محل اشکال است به بیانی که عرض می‌کنم بلکه ظاهر این است که این‌ها اوصافی است که کنار هم ذکر شده به هدف تمجید از این امت، مدح و ستایش از این امت که شما بهترین امت هستید، شما امر به معروف می‌کنید، شما نهی از منکر می‌کنید، شما ایمان به خدای متعال دارید. این‌ها اوصاف متعدده‌ای است که در کنار هم ذکر شده برای ستایش این امت بدون این که بعضها تعلیل برای بعضی آخر باشد. مثل این که گفته بشود آقا شما اهل خیر هستید، اهل نماز شب هستید، اهل درس و بحث هستید، اهل ... چند تا صفت را کنار هم ذکر می‌کنند که تمجید کنند، تعریف کنند. این جا هم همین است. چرا این حرف را می‌زند، برای خاطر این که من مسلّمات الكتاب و السنة که ان شاء الله روایاتش خواهد آمد، بعضی از روایات هم بعداً خواهد آمد که مسأله امر به معروف و نهی از منکر من مختصات امت اسلام نیست. ایمان به خدا که روشن است از مختصات نیست، همه ادیان الهی ایمان به خدای متعال در آن هست. امر به معروف و نهی از منکر هم اختصاص به امت اسلام ندارد. در خود قرآن شریف این آیه مبارکه «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ 113 و 114) من اهل الكتاب امة که یا مرون... معنایش این می‌شود دیگه.

خب آیات دیگر هم داریم، روایات فراوان هم داریم که ان شاء الله بعضی‌هایش بعداً خواهد آمد که این در امم سابقه هم بوده و حتی در بعضی آیات و روایات هم هست که منشأ بعضی عقاب‌ها که بر امم سابقه نازل شده ترک امر به معروف و نهی از منکر بوده. حالا این امت به خاطر برکت رسول خدا(ص) محفوظ است ولی امم سابقه وقتی گناهان‌شان فراگیر می‌شد یا چی می‌شد خدای متعال عذاب نازل می‌فرمودند. خب حالا این جا این علتی که این جا ذکر شده است «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» اگر بخواهد این تعلیلش باشد این تعلیل معمم است این باعث خیرت نمی‌شود از آن‌ها. آن‌ها هم این جهت را دارند. اگر بگویید آن‌ها داشتند عمل نمی‌کردند، خب این جا هم عمل نمی‌کنند. اگر این جهت است خب آن‌ها هم عمل نمی‌کردند.

سؤال: عمل آنها که با عمل ما خیلی تفاوت دارد.

جواب: چه فرقی دارد؟

سؤال: چقدر از آنها کشته شدند، چقدر تلف شدند، چقدر ...

جواب: یعنی چی عمل آنها با عمل ما فرق می‌کند. من نمی‌فهمم. بله ما شاید کمتر از آنها هم عمل بکنیم به لحاظ جمعیتی که داریم. حالا اجازه بدهید این تمام بشود، من این مطلب را استیفاء مراد بکنم بعد اشکالها را...

سؤال: ...؟

جواب: حالا ببینیم چه جور می‌شود، استیفاء مراد بکنیم ببینیم...

پس بنابراین به حکم این که آن چه که در آیه شریفه ذکر شده من الامر بالمعروف و نهی از منکر و ایمان به خدای متعال اختصاص به امت اسلام ندارد، در امم سابقه هم وجود داشته نمی‌توانیم این را تعلیل برای خیر امت بگیریم. که وجه این که داریم می‌گوییم شما خیر امت هستید این است که این... خوب این در امم سابقه هم هست. اگر علت معمم است خوب آنها هم پس این صفات را داشتند. چه جور شد اینها خیر شدند نسبت به آنها.

در تفسیر شریف تسنیم خواستند برای کأنّ دفع این اشکال یک راهی پیدا کنند و آن این است که فرمودند این علت در امت اسلام دارای ... حالا به بیان من، دو ویژگی یا سه ویژگی است که امتیاز می‌دهد به این علت نسبت به امم سابقه آن وقت می‌شود وجه خیریتش. امتیاز اول این است که آورنده این باب امر به معروف و نهی از منکر هم مصادیق معروف و مصادیق منکر است، هم شیوه امر به معروف و نهی از منکرش. آورنده این دو مطلب افضل الانبیاء است. پس این از یک طرف. افضل انبیاء(ص) این از یک طرف. این یک ویژگی. ویژگی دوم این است که ما جاء به فی هذا الباب این اکمل و اجمع است از ما جاء به سایر الانبیاء.

سؤال: یعنی مصادیق...

مصادیق خیلی از معروفها توی این دین... این دین جامع هست دیگه. الیوم اکملت لکم دینکم، دیگه دین کامل این دین است. همه مصادیق معروف بیان شده. همه مصادیق منکر بیان شده. بهترین راهها و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در این شریعت بیان شده. پس یک بسته شامل کامل جامع ...

سؤال: هم مسائل هم راهکارها؟

جواب: همه جا، همه چیزش. آره.

این جا آمده. این هم جهت دوم.

جهت سوم این است که اتباع و متبعین اسلام و این پیامبر عظیم الشان... پس اولاً از افضل انسانها و انبیاء دارند اتباع می‌کنند. دو، از بهترین برنامه‌ها و اجمع و اکمل برنامه‌ها. و کمال هر انسانی تابع این است که از چه پیامبری دارد چی می‌کند؟ تبعیت

می‌کند. وقتی ... الان توی عرف ما هم همین این جور است. مثلاً می‌گوییم این شاگرد نائینی بوده. این شاگرد آقای بروجردی بوده. این شاگرد امام بوده، یعنی وقتی آن استاد هرچه مرتبه علمی‌اش و مهارتش بالاتر باشد این کائنات یک اماره عرفیه است برای این که پس این‌ها هم بهتر پروریده شده‌اند. حالا می‌گوییم این‌ها اتباع پیامبر اسلام هستند، آن را می‌گوییم اتباع مثلاً حضرت نوح هستند علی نبینا و آله و علیه السلام یا بقیه انبیاء. کمال تابعین این در پرتو کمال آن اصل و برنامه‌های آن اصل هست. چون این چنینی است پس شما بهترین امت هستید، چرا؟ برای این که شما آورنده این امر به معروف و نهی از منکر؛ هم مصادیقش، هم برنامه‌اش افضل بوده و هم خود آن مصادیق و برنامه‌ها اکمل و اکمع است و هم شماها دارید از یک این چنین انسانی با یک چنین برنامه‌هایی اتباع می‌کنید و این در امم سابقه نبوده. بنابراین یک علتی نیست که ما در گذشته هم سراغ داشته باشیم تا شما اشکال کنید به این که این علت نمی‌تواند وجه باشد و علت باشد برای این که امت اسلام خیر امت هستند. نه، این علت یک ویژگی تنها دارد که آن‌ها نداشتند. من عبارت ایشان را عرض می‌کنم؛

سَرَّ بهترین امت بودن، معنای «کنتم خیر امّةٍ اُخرجت للناس» این نیست که پیش از شما هیچ امتی اهل امر به معروف یا نهی از منکر نبوده. چون امر به معروف و نهی از منکر در امت‌های پیشین فی الجمله بوده است.

همان آیه‌ای که خواندیم را فرمودند که عرض کردیم غیر این آیه آیات دیگر و روایات دیگری هم داریم.

بلکه به این محتوا است که شما از رسولی پیروی می‌کنید که آورنده بهترین دین و آیین است. و امر به معروف و نهی از منکر که او آورده جامع‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است که انبیاء پیشین آورده‌اند. شاهدش این است که رسول خدا(ص) در کتاب‌های پیشین به فضائل برجسته و ویژه‌ای ستوده شده که در صدر آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر است. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ» (اعراف/157) و چون هر امت کمال خود را از پیروی از پیامبر خویش دریافت می‌کند اگر امر به معروف و نهی از منکر حضرت ختمی نبوت(ص) مقام برتر را دارد امتثال چنین دستوری مایه ارتقاء به مقام برتر است.

که این را به آن شکل تعریف کردیم و توضیح دادیم. پس به این شکل است. آیا این مطلب می‌تواند جواب آن اشکال را بدهد؟ این‌ها مطالب حقی بود. هر سه تا مطلب حق هستند یعنی آورنده افضل انبیاء و خلائق است؛ این حق است. این ما جاء به در این باب کما این که در ابواب دیگر اکمل اجمع، این هم درسته. ما هم بحمدالله امت این اسلام خدای متعال این نعمت را به ما داده، این شرف را به ما داده که تابع افضل انبیاء و اکمل دستورات هستیم. این هم درست است و اگر تابعیت‌مان درست باشد، درست عمل بکنیم قهراً ما از امم سابقه از این حیث خب برتر می‌شویم. این‌ها همه درست است ولی آیا آیه این را می‌گوید. آیه فرمود «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» چون که نبی این چنینی دارید و چون برنامه او در باب امر به معروف اکمل و اجمع است. و چون اتباع از او می‌کنید. این‌ها توی آیه ذکر شده؟ یا نه تأمرون بالمعروف تنهون عن المنکر، اصل امر به معروف کردن و نهی از منکر کردن. الفات نظری، توجه نظری در این آیه مبارکه به این که من جاء به، چیست. و این که این ما جاءها افضل و اکمل است به این‌ها الفات نظر نمی‌شود

ولو واقعیت دارد. اما این‌ها در آیه مطمع نظر نیست توی آیه، اشاره‌ای، لفظی، دالی نه بر امر اول توی آیه وجود دارد، نه بر امر دوم در آیه وجود دارد، نه بر امر سوم در آیه وجود دارد برای این امور ما دالی توی آیه نداریم. حتی مشعری نداریم. بنابراین آن چه که در این آیه ذکر می‌شود نمی‌توانیم بگوییم این علت برای ما سبق هست بلکه این‌ها اوصافی است یعنی خدای متعال دارد امت اسلام را توثیق می‌فرماید. می‌فرماید شما خیر امت هستید حالا شما که داریم می‌گوییم مال امت اسلام باشد. حالا آن یا اگر طبق این روایات ائمه علیهم السلام را دارد می‌فرماید. طبق آن معنا که همه امت مقصود باشد دارد می‌فرماید هکذا و هکذا. پس بنابراین، این هم مشکله‌ای است که ما داریم در این جا. بنابراین فعلاً این که ما به این نحو بخواهیم رد بکنیم و بگوییم آیه شریفه شامل... مقصود از آیه شریفه ائمه علیهم فقط خصوص ائمه نیستند به این بیان فرموده شده محل اشکال و ابهام هست.

سؤال:

جواب: شما اگر آوردید روی چشم می‌گذاریم.

سؤال:

جواب: نه این‌ها همین‌هایی است که گفتیم دیگه.

سؤال: ...

جواب: حالا مشکلی توی کلمه امت است...

سؤال: مشعر...؟ کلمه امت نشان می‌دهد یک مجموعه هماهنگ با هم وجود دارد...؟

جواب: مگر ائمه مجموعه هماهنگ نیستند. چه مجموعه‌ای هماهنگ‌تر از آن‌ها. هدف واحد، راه واحد، عصمت، همه چی توی آن هست. چه مجموعه‌ای از آن بالاتر. در عالم من الاول و الآخر مجموعه‌ای هماهنگ‌تر و بهتر و درست‌تر از این مجموعه وجود ندارد.

سؤال: منافات ندارد.

جواب: خود روایات هم داریم، قرآن هم فرموده ابراهیم امت بود. پس بنابراین امت هم این جوری نیست که به حسب استعمالات قرآن و سنت این جور باشد که مثلاً باید خیلی دامنه‌اش خیلی خیلی وسیع باشد. نه.

سؤال: ...؟ کنتم ...؟

جواب: خب برای این که چهارده نفر هستند، پانزده نفر هستند. خب از این جهت است.

سؤال: مشعر...؟

جواب: همین امت مشکل‌ساز شده برای ما دیگه. الان نمی‌دانیم برای همین است.

سؤال: حاج آقا آیه سوم هم تمام نیست ظاهراً چون مادامی که تابعین التزام عملی نداشته باشند به بهترین ...؟ به بهترین برنامه کامل محسوب نمی‌شود برای تابعین و این‌ها.

جواب: نه، آن ديگه.. حالا آن جهتش را ... چون ايشان فرمودند که، آن قرآنی که آوردند گفتند کی مقصود است از آن امت، معنای چهارمی مقصود است یعنی الممثلين برای آن که آن جا ذکر کردیم. بله شما این جور می‌توانید اشکال کنید باز ممثلين آن آیه آن جا مگر به همه این چیزها عمل می‌کنند. اگر کسی امر به معروف می‌کند، نهی از منکر هم می‌کند، دعوت به خیر هم می‌کند اما خودش خیلی پایبند نیست مشمول آیه قبل هست، ممثل آیه قبل هست مگر بگویند آیه قبل هم ائمه مقصود هستند. اگر آیه قبل هم ائمه مقصود هستند کما این که روایاتی آن جا بود و بیاناتی آن جا بود، خیلی خوب. اما اگر بگوئیم آن جا هم ائمه فقط مقصود نیستند، خوب باز محل اشکال می‌شود که این‌ها چطور شدند خیر امت. همه‌شان، همه این‌ها چطور شد خیر امت. حالا بعداً ان شاء الله باز این‌ها هی می‌دانم ببینید این واقعاً تفسیر خودش کار آسانی نیست. خیلی ذو ابعاد است مخصوصاً قرآن شریف که آدم احاطه بتواند پیدا بکند، همه جوانب مطلب، آیات مبارکات، احادیث، مطالب عقلی، امور فطری، همه این‌ها را باید در نظر بگیرد آن وقت... فلذا است که اگر یادتان باشد حالا آقایانی که سن‌شان... مرحوم امام رضوان الله علیه وقتی تفسیر شروع کردند سوره حمد را، آن جا اول ايشان فرمود که ما در تفسیر قرآن باید خیلی ... قریب به این مضمون که باید دست به عصا راه برویم. تفسیر... آدم یک جا را نگاه می‌کند بعد توجه که می‌کند می‌بیند آن جا چه جور می‌شود، آن جا چه جور می‌شود. حالا این جاها یک مقداری حقیقتاً این جوری است این جاها.

سؤال: ببخشید استاد...؟ جواب ايشان ...

جواب: وجود دارد قبول داریم ولی این امتیاز توی آیه مذکور نیست، دالی ندارد. ظاهر آیه شریفه این است که به خود این که تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله. نه این که معروف‌هایش را... یک تسامحاتی در عبارت بود. چون این جوری بود که شما رسولی را پیروی می‌کنید که آورنده بهترین دین و آیین است و امر به معروف و نهی از منکر که او آورده جامع‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است که انبیاء پیشین آوردند. امر به معروف که او آورده یعنی چی؟ یعنی مجموعه معروف‌ها و منکرهایی که او بیان فرموده و شیوه این که این جور... ما این جوری معنا کردیم. ولی عبارت به این وضوح نیست که معنایش این طور باشد.

سؤال: ...؟ جواب شما می‌گوید منافات ندارد که فقط ائمه علیهم السلام باشند.

جواب: بله. بلکه طبق آن چیزها....

سؤال: اما استاد می‌تواند جواب باشد برای آن حرف قبلی که فرمودید امر به معروف در آن

جواب: نه، جواب نمی‌تواند باشد. آن که توی آیه هست نمی‌تواند باشد. ببینید حرف این است که اگر توی آیه این جوری که ايشان توضیح دادند بود بله. این می‌پذیریم یعنی صرف‌نظر از اشکال اول که این مشعر است نه دلیل است. بله این درسته، در امم سابقه نبوده پس می‌تواند وجه برای خیر امت بودن امت اسلام بشود. ولی چون این سه تا توی آیه شریفه دالی ندارد بلکه به خود امر به معروف و نهی از منکر تعلیل شده. و ایمان به خدا تعلیل شده. بنابراین آن وقت این را می‌گوئیم آقا این چه فرقی بین این امت و آن امت هست.

پس بنابراین این نتیجه می‌شود... چون این وجه را هم می‌بینیم در آن‌ها هست پس این نتیجه می‌گیریم که اشتباه کردیم علت معنا کردیم. علت نیست، ذکر وصف بعد الوصف است. ارداد اوصاف است به داعی تمجید و ثناء از این امت.

بیان دوم برای این که مقصود از این ائمه علیهم السلام باشد همان بیانی است که در آیه قبل بود.

سؤال: ...؟ اگر شما این سه دلیل را قبول کنید...

جواب: سه تا دلیل نبود.

سؤال: ...؟

جواب: مجموعش با هم.

سؤال: ...

جواب: هیچ کدام نیامده.

سؤال: تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر ...؟

جواب: روی اصل تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر است. نه تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر که جامع‌ترین امر به معروف‌ها و نهی از منکرها هست هم من حیث المصادیق هم من حیث الکلیفیه. این‌ها که دیگه نیست توی آیه شریفه. این‌ها را باید از جیب خودمان بگذاریم، اضافه بکنیم. ولی توی آیه نیست.

و اما بیان دوم:

بیان دوم این است که آن جا می‌گفتند که الف و لام المعروف و المنکر، الف و لام استغراق است. این جا هم گفته بشود شما بهترین امت هستید، چرا؟ چون به تمام معروف‌های نفس الامری امر می‌کنید و از تمام منکرهای نفس الامری نهی می‌کنید. آن تؤمنون بالله را هم بعضی از مفسرین گفتند یعنی ایمان به خدا دارید حق ایمان. این باز ویژگی شماس است. بله امم سابقه آن‌ها هم ایمان داشتند اما حق الایمان، آن ایمانی که لو کشف القطاع مزدت یقیناً، لم اعید رباً لم اره، این حرف‌ها. خب این در چی پیدا می‌شود. به تمام معروف‌های نفس الامری امر بکنند، تمام منکرهای نفس الامری را نهی کنند. ایمان حق الایمان داشته باشد این در غیر ائمه علیهم السلام پیدا می‌شود؟ پیدا نمی‌شود. پس به این قرینه می‌فهمیم که مقصود ائمه علیهم السلام هستند. حالا چه تعلیلی بگیری، چه توصیف بگیری. تعلیل بگیری این علت در غیر آن‌ها پیدا نمی‌شود. توصیف هم بگیری این وصف‌ها در غیر آن‌ها پیدا نمی‌شود که بخواهد توصیف بشود. پس بنابراین به این قرینه می‌گوییم مقصود ائمه علیهم السلام هستند. عده‌ای خاصی هستند ...؟

خب جواب این مقاله، جواب این سخن هم سابقاً گفته شد که الف و لام برای عهده است. الف و لام برای استغراق بودن این تمام نیست. بلکه این جا الف و لام، الف و لام تعریف است، جنس است و در این موارد به اطلاق می‌فهمیم.

سؤال: برای عهد است یا تعریف.

جواب: برای تعریف است.

حالا دیگه داستان‌هایش همان‌هایی است که در آن جا گفتیم دیگه.

سؤال: حاج آقا بعضی از ایمان بالله‌ها ایمان بالرسول ذکر نشده.

جواب: بله این هم توجیهاتی دارد که چرا ایمان به رسول ذکر نشده. برای خاطر این است که گفته شده است ایمان به خدای متعال لاینفک از بقیه ایمان‌ها. اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک. اللهم عرفنی رسولک فإنک إن لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فإنک إن لم تعرفنی حجتک ذلت عن دینی. یعنی ایمان به خدا، کسی ایمان به خدا درست بیاورد نمی‌شود بگوید خدا هست نبوت نیست. نمی‌شود بگوید نبوت هست امامت نیست، نمی‌شود بگوید این‌ها هست معاد نیست. اگر کسی استدلالش برای وجود خدای متعال مع صفاته به آن توجه بکند خود به خود از توی آن‌ها در می‌آید. نمی‌شود این‌ها را باور نکند. این راه دوم است.

اما راه سوم:

که راه سوم همان بود که توی آن روایت بود دیگه حالا و تفصیلش می‌ماند که همان دو قرینه‌ای که در آن روایت بود ما از آن دو قرینه می‌فهمیم مقصود ائمه علیهم السلام که ان شاء الله فردا

و صلی الله علی محمد و آل محمد.